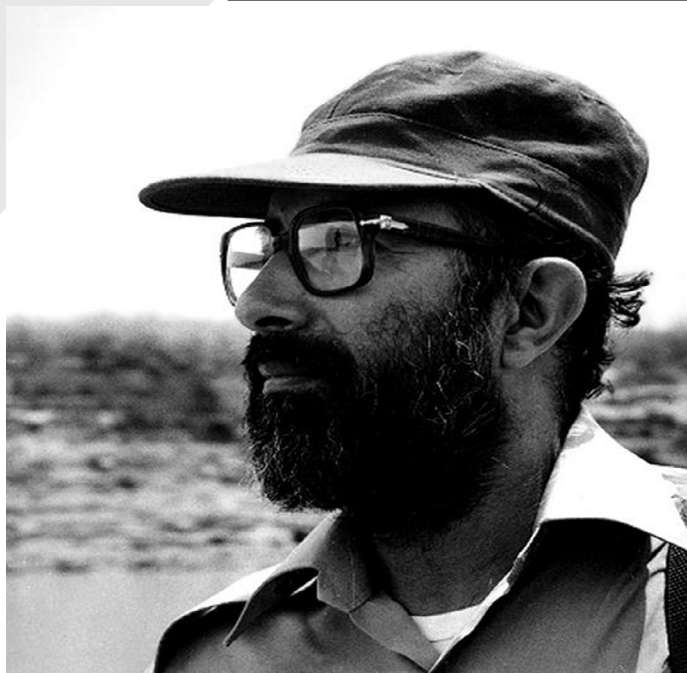




به نام آنکه نام او آرامش بخش دل هاست

به نام آنکه نام او آرامش بخش دل هاست

بی مقدمه اصل مطلب

بالاخره پس از حدود سه سال، دوباره بر آن شدیم که زاویه را احیاء کنیم. درسته کمی زمان گذشته اما خدارو شکر تیم احیاء عملکرد خوبی داشت و زاویه به زندگی برگشت. به امید این هستیم دوستان قدیمی ما دوباره وارد بازار داغ مطبوعاتی دانشگاه بشن تا به جدیدترها نشون بدیم بازهم دود از کنده بلند می شود!

آمدیم تا با زاویه دید متفاوتی به کارهای مان، درس هایمان، سیاست مان، اخلاق مان، دانشگاه مان و خلاصه همه چیز مان نگاه کنیم و این را به دیگران هم یاد بدهیم.

شاید برخی ها هنوز به این مسئله فکر نکرده اند که ممکن است با تغییر کوچکی در زاویه دید، دنیای اطراف مان را جور دیگری تماشا کنیم.

مثلا یکی با زاویه دید خاصی، اقدامات اخیر عربستان را در راستای حمایت از حقوق بشر می داند!! اما همان مسئله را عده ای نسل کشی و خیانت این کشور به حساب می آورند.

یکی با این زاویه به درس خواندنش نگاه می کند که روند رشد علمی کشورش را (که اخیرا هم دو پله سقوط کرده) ارتقاء ببخشد، اما دیگری با نگاه دیگری!!! به ماجرا نگاه می کند و درس را از ترس!!! استاد و مشروطی می خواند.

برایم خیلی جالب بود این ماجرای اختلاف زاویه دید حتی سابقه ای تاریخی دارد....

عده ای بودند که در جنگ صفین قرآن های بر نیزه رفته را دلیل حقانیت معاویه دانستند و در زاویه دید آن ها امام زمان شان محو گردید و تا ابد بر صفحه تاریخ این زاویه دید غلط ثبت و ضبط شد؛ و شاید این اختلاف زاویه ی نگاه آنها بود که در شرایطی سرنوشت تاریخ را نیز عوض کرد.

خدایا کمکمان کن که همچون ابوموسی اشعری ها و عمروعاص ها نباشیم و زاویه دیدمان نسبت به مسائل پیرامون مان با زاویه دید امام زمانمان ذره ای و حتی کمتر از ذره ای اختلاف نداشته باشد.

به امید روزی که همه آدم ها این چنین باشند....

شروع می کنیم اولین شماره دوره جدید نشریه زاویه را.

یا علی

چ مثل چمران ...

دانشمند فیزیک پلاسمای در درجه ی عالی

در کنار شخصیت یک گروه بان تعلیم دهنده ی عملیات نظامی

آن هم با آن احساسات رقیق، آن هم با آن ایمان قوی و با آن سرسختی چه ترکیبی می شود.

دانشمند بسیجی این است؛

در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است

تضاد بین ایمان و علم خنده آور است. هم علم هست، هم ایمان؛

هم سنت هست، هم تجدد؛ هم نظر هست،

هم عمل؛ هم عشق هست، هم عقل.

حالا توقعی که ما داریم و این توقع، توقع زیادی هم نیست

این روحیه های پر نشاط شما، این دل های پاک و صاف، این ذهنهای روشن،

این امید را و این توقع را به انسان می بخشد

که فرآورده ی دانشگاه جمهوری اسلامی

نه به نحو استثنا بلکه به نحو قاعده

چمران ها باشند.

بیانات مقام معظم رهبری

در دیدار اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه ها

۱۳۸۹/۴/۲

مصرف کالای ایرانی، ضامن پیشرفت ملی برند یا توسعه ایران؟ انتخاب با شماست!

بیانات رهبر معظم انقلاب با موضوع مصرف کالای داخلی

✽ لگد زدن به کارگر ایرانی این است که انسان جنس مصنوع این کارگر را مورد استفاده قرار ندهد و برود مشابه این را از خارج بگیرد؛ گاهی هم به قیمت های گران‌تر!

بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور؛ ۹۴/۹/۲
✽ من تأکید میکنم، اصرار میکنم، از همه‌ی ملت ایران درخواست میکنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است.

بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور؛ ۹۲/۷/۲
✽ اینکه کسانی هم‌هانش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسمهای خارجی باشند، خطاست؛ فرونشاندن یک هوس شخصی است، اما ضربه‌زدن به یک کار عمومی و اصلی است.

بیانات در اجتماع مردم اسفراین؛ ۹۱/۷/۲۲
✽ برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالائی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بجد پرهیز کنیم؛

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱؛ ۹۱/۱/۱

خاطره اي از شهيد بابايي

در ماه مبارك رمضان

سرکار خانم اقدس بابایی، خواهر گرامی شهید سرلشگر عباس بابایی نقل می کنند:

در سال ۱۳۵۳ همراه همسر (آقای سعیدنیا) که از کارکنان نیروی هوایی ارتش بودند؛ در منازل سازمانی پایگاه دزفول زندگی می کردیم. حدود دو سال می شد که عباس از آمریکا برگشته بود و به منظور گذراندن دوره تکمیلی خلبانی هواپیمای اف ۵ به پایگاه دزفول منتقل شده بود.

در آن زمان او هنوز ازدواج نکرده و بیشتر وقت‌ها در کنار ما بود.

به یاد دارم روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بود و طبق معمول عباس صبح قبل از رفتن به محل کار به خانه ما آمد. چهره اش را غم و اندوه پوشانده بود و ناراحت به نظر می رسید. وقتی دلیل آن را جویا شدم، با افسردگی گفت:

– نمی دانم چه کار کنم؟ به من دستور داده اند که امروز را روزه نگیرم.

– با شگفتی پرسیدم:

– برای چه؟

– عباس ادامه داد:

– یکی از ژنرالهای آمریکایی به پایگاه آمده و قرار گذاشته است تا امروز ناهار را در باشگاه افسران و با خلبانان بخورد؛ به همین خاطر فرمانده پایگاه به خلبانان دستور داده تا امروز را روزه نگیرند.

او را دلداری دادم و گفتم:

– عباس جان! خدا بزرگ است. شاید تا ظهر تصمیمشان عوض شد.

او درحالی که افسرده و غمگین خانه را ترک می کرد، رو به من کرد و



تلنگر

بهتر است بدانیم :

• متأسفانه هرساله ۱.۵ درصد جنگل های کشور یا هر ۵ سال یک میلیون هکتار از جنگل های کشور نابود میشود.

• بنا به برخی گزارش ها ایران بالاترین نرخ فرسایش خاک را در جهان داراست.

• سرانه جنگل در ایران کمتر از یک چهارم متوسط جهانیست.

• روزانه ۵۰۰ تن زباله از مناطق شهری و روستایی استان گیلان جمع آوری و در دل جنگل‌های سراوان رشت تخلیه می شود.

• ۳۰ هکتار از مراتع منطقه حفاظت شده بیستون در پی بی‌احتیاطی گردشگران در آتش سوخته است.

• و...

فرهنگ ملی ما با محیط زیست چه رابطه ای دارد؟

ما در کشوری زندگی میکنیم که فرهنگ ملی و اصیل ما با معارف ارزشمند دین مبین اسلام پیوند دارد . معارفی که در آن لزوم اهتمام به حفظ محیط زیست بارها و بارها به شکل ها و روش های گوناگون مطرح شده است. در فرهنگ اسلامی موارد زیادی از تذکر چه در باب حفظ و حراست از درختان و چه حفظ حقوق حیوانات مطرح شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زندگی جز با سه چیز خوش نمی‌شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و

زمین نرم (آماده زراعت).

متأسفانه امروزه مواردی از قبیل زمین خواری و جنگل خواری، کشتار و شکار حیوانات، از بین بردن گونه های ارزشمند گیاهی و جانوری، آلوده کردن و برداشت بی رویه از سفره های آب زیر زمینی، مشکلات ناشی از زباله های خانگی و بیمارستانی و ... بخشی از آسیب هایی است که از طرف ما به محیط زیست وارد می شود. نیازی به گفتن نیست که این شیوه ی برخورد چقدر با آموزه های دینی و فرهنگی ما ناسازگار است.

این در حالی است که خود ما بیشترین خسارت را از این رویه ی ناصحیح متحمل میشویم. آسیب هایی که از ضربه زدن به طبیعت به شکل گرد و غبار، آلودگی هوا، کم آبی و بی آبی، انقراض گونه های کمیاب جانوری، و... گریبان گیرمان می شود؛ کاملاً نتیجه عمل خود ماست. باید برای این شرایط چاره اندیشی کرد تا اجازه وخیم شدن بیشتر اوضاع داده نشود.

دست به دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد...

بازار داغ شایعه پراکنی

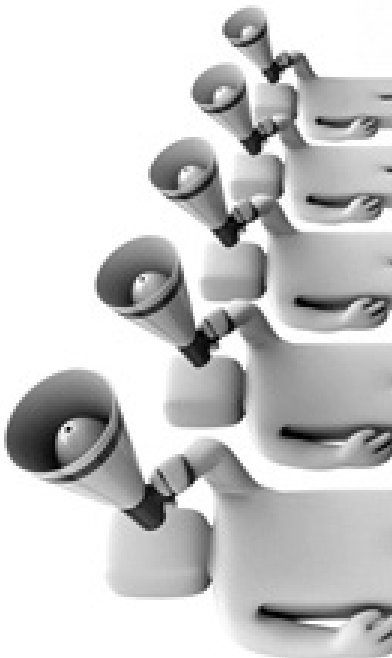
امروزه اکثریت ما کم و بیش با شبکه های اجتماعی و مطالب و اخبار متنوع این فضای مجازی سر و کار داریم. نکته ی مهمی که ممکن است مغفول بماند شایعاتی است که در این میان به راحتی منتشر می شود.

برخی از این پیام ها به عمد، آبرو، اعتبار یا شهرت اشخاص را نشانه می روند یا برخی ناآگاهانه تصویر ذهنی مردم از هویت ملی، فرهنگ، قومیت یا جنسیت را مخدوش کرده و حتی در امور سیاسی و دیپلماتیک کشورها تنش زایی می کنند.

خبر مسکن های مرگبار، آلودگی آب آشامیدنی، خرماهای داعشی، دلسترهای کور کننده، مرغ های سمی و جیوه ای یا مرگ ناشی از ابولا تنها نمونه هایی از این شایعات مربوط به حوزه سلامت در شبکه های اجتماعی ما بوده اند.۱

با توجه به اینکه دانشجویان طیف وسیعی از کاربران شبکه های اجتماعی را تشکیل می دهند و همچنین یادآوری این نکته که از ویژگی های دانشجو، به روز بودن و آگاهی دقیق از مسائل اجتماعی است، به نظر میرسد نباید از کنار این شایعات به راحتی عبور کرد. وظیفه ای که امروز متوجه قشر بیدار دانشجو است حقیقت طلبی، عدم پذیرش و انتشار مطالب بدون استناد معتبر به منابع رسمی و اجتناب از زود باوری می باشد.

یادمان باشد انتشار هر مطلب در فضای مجازی تاثیراتی حقیقی در اذهان و نگرش انسانها خواهدداشت! جهت اطلاع از برخی شایعات فضای مجازی و پاسخ آنها می توانید به سایت اینترنتی www.shayeeaat.ir مراجعه فرمایید.



هسته ای...؟

با سلام خدمت همه شما دوستای خوبم، امیدوارم تا اینجا امتحانارو به خوبی گذرونده باشین!

توی این بخش می خوام واستون چن تا سوال قشنگ از مباحث شیرین هسته ای با جواباش بنویسم تا هم اطلاعاتتون بیشتر بشه و هم بدونید به مسائل هسته ای با زاویه دید زیباتری میشه نگاه کرد.

خب سوال اول: مگه چند نفر از پزشکی هسته ای استفاده می کنن که اینقد میگن پزشکی هسته ای؟ اگه داروهای مورد نیاز رو وارد کنیم به صرفه تره قطعاً؟!

جالبه بدونید: سالانه حدود ۸۱۱ هزار تا یک میلیون نفر در ۱۲۵ مرکز پزشکی هسته ای در بیمارستان های کشور از رادیو داروها استفاده می کنند و به فناوری پیشرفته پزشکی هسته ای نیازمند هستند برای این فناوری به اورانیوم با غنای ۲۱ درصد یا فعالیت راکتور آب سنگین اراک مورد نیاز است.

۹۵ درصد رادیو داروهای دنیا در ۵ راکتور هسته ای بزرگ در کانادا، هلند، بلژیک، فرانسه و آفریقای جنوبی تولید می شود. جمهوری اسلامی به فناوری تولید برخی رادیو داروهای جدید و حیاتی دست یافته است.

رشد مصرف رادیو دارو در دنیا حدود ۱۱ درصد در سال و در ایران حدود ۲۳ درصد است. وجود چنین رشدی در مصرف اینگونه داروها، به خودی خود، می تواند عاملی برای تبدیل سرمایه گذاری در این بخش به مزیتی اقتصادی برای کشور باشد و اگر کشوری بتواند این محصولات را در بازارهای جهانی عرضه کند، می تواند سالانه میلیاردها دلار درآمد ارزی برای خود ایجاد کند.

حالا سوال دوم: نمی فهمم کشاورزی چه ربطی به انرژی هسته ای داره؟

۱. با یک مثال ساده به این سوال پاسخ م دهیم: طبق آمار رسمی سالانه بین ۲۵ تا ۳۱ درصد (یک سوم) از محصولات کشاورزی و غذایی تولیدی خود را به خاطر فساد از دست می دهیم و جالب است که بدانید به همین منظور یک اداره کل به نام مدیریت ضایعات در وزارت جهاد کشاورزی داریم. حال با استفاده از فناوری کشاورزی هسته ای می توانیم عمر نگهداری مواد غذایی را بدون اثر مخرب بر مواد غذایی (اعم از غلات، مرکبات و...) چندین برابر کنیم و این یعنی حدوداً سالانه سی درصد غذای رایگان! حال خودتون قضاوت کنید که این صنعت چه تأثیرهایی در زندگی مردم میتونه داشته باشه.

۲. به طور کلی صنعت کشاورزی در پنج مؤلفه اساسی تعریف می گردد: آب، زمین، بذر، افزایش عمر نگهداری و آفت زدایی که دانش هسته ای در هر ۵ زمینه سریع ترین راهکار برای بهبود کشاورزی به شمار می رود.

اینم آخرین سوال: فناوری هسته ای چه کاربردی در دامپزشکی و دامپروری داره؟

- جالبه بدونید:

۱. پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری های دامی با استفاده از رادیو داروهای حیوانی و اسکن بخش های مختلف بدن آنها.

۲. تولیدمثل دام

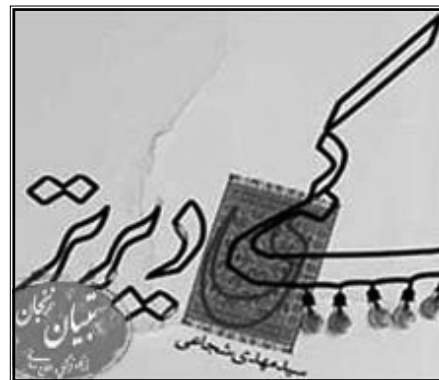
۳. تغذیه دام افزایش کیفیت و کمیت تغذیه دام با استفاده از روش های پرتو دهی بر خوراک دام

۴. اصلاح نژاد دام: به وسیله پرتو دهی با اشعه گاما بر اجزای بدن دام.

۵. بهداشت و ایمنی محصولات دامی و خوراک دام: با جهش یافتگی و کاهش آلودگی های ویروسی و میکروبی خوراک دام.

دوستای گلم مواظب زاویه دید غلط بعضیا باشید که رو زاویه دید شما خدای نکرده تاثیر منفی ندازه

تا شماره بعدی و مطالب سیاسی خودم و شما رو به خدای بزرگ می سپارم.



نگاهی به کتاب کمی دیرتر

این کتاب اثر آقای سید مهدی شجاعی پیرامون مبحث انتظار به سبک رمان نگاشته شده است. شجاعی در لابه لای اتفاقاتی که در این اثر قلم میزند به بررسی نگاه افشار مختلف جامعه به مقوله انتظار می پردازد و از این می گوید که به روزمرگی در انتظار رسیده ایم! به همین دلیل روایت جابه جایی فصل های سال در کتاب کمی دیرتر را به زیبایی مطرح می کند...

آنها که منتظر واقعی هستند باید به بهار برسند و منتظر منجی بمانند. پس قرار می شود منجی کمی دیرتر بیاید... فقط کمی دیرتر تا ما انتظار واقعی را بیاموزیم. تا بفهمیم که در زمستان مانده ایم و اگر همت نکنیم به بهار نمی رسیم!

حکایت شبهای امتحان

بی همگان بسر شود، بی تو بسر نمی شود
این شب امتحان من چرا سحر نمی شود؟!
مولوی او که سر زده، دوش به خوابم آمده
گفت که با یکی دو شب، درس به سر نمی شود!
خر به افراط زدم، گیج شدم قاط زدم
قلدر الوات زدم، باز سحر نمی شود!
استرس است و امتحان، پیر شده است این جوان
دوره آخر الزمان، درس ثمر نمی شود!
مثل زمان مدرسه، وضعیت افتضاح و سه
به زور جبر و هندسه، گاو بشر نمی شود!
مهلت ترمیم گذشت، کشتی ما به گل نشست
خواستمش حذف کنم، وای دگر نمی شود!
هر چه بگی برای او، خشم و غضب سزای او
چونکه به محضر پدر، عذر پسر نمی شود
رفته ز بنده آبرو، لیک ندانم از چه رو
این شب امتحان من، دست بسر نمی شود
توپ شدم شوت شدم، شاعر مشروط شدم
خنده کنی یا نکنی، باز سحر نمی شود...!